

عنوان مقاله:

تیغ تهمورث

محل انتشار:

دو فصلنامه ادب فارسی، دوره 12، شماره 2 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسنده:

بهزاد اتونی - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد

خلاصه مقاله:

یکی از موضوعات رایج در اساطیر و حماسه های جهان، اختصاص رزم افزارهایی شگفت برای پهلوانان است، که وجه مشترک همگی آن ها، تفاوت و تمایزی است که با رزم افزارهای معمولی دارند. گرچه در منظومه های پهلوانی اصیلی چون شاهنامه، گرشاسب نامه، بهمن نامه و کوش نامه، با تعداد انگشت شماری از این رزم افزارهای شگفت پهلوانان روبه رو هستیم، ولی در عوض، در طومارهای نقالی شاهنامه، منظومه های پهلوانی متاخر و قصه های حماسی-ماجراجویانه عامیانه فارسی، با انبوهی از این دست رزم افزارها مواجه ایم که معروف ترین و شاخص ترین آن ها، «تیغ تهمورث» است. این تیغ که ساخته و پرداخته ذهن خلاق نقالان و قصه پردازان است، تیغی است سحرگشا که فقط خاندان رستم از آن بهره می جویند، و اگر هم نمونه های بسیار معدودی از آن را در دست پهلوانان دیگر می بینیم، آنان، پهلوانانی هستند که ساخت و پرداخت کردار و خویش کاری هایشان، تحت تاثیر قصه های رستم بوده است. اهمیت پژوهش پیش رو در آن است که نگارنده، به ریشه شناسی اساطیری تیغ تهمورث می پردازد و شکل گیری آن را در طومارهای نقالی و قصه های عامیانه، براساس گفتمان رایج در ادب اساطیری و پهلوانی بررسی می کند. این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی و با بهره گیری از منابع درجه اول اساطیری، تاریخی و حماسی صورت پذیرفته است، بدین نتیجه می رسد که علت انتساب تیغ سحرگشا به تهمورث، سه رخداد اساطیری منتسب به او، یعنی: پیشدادی بودن، زیناوند بودن و نبرد با دیوان و جادوان است. ضمناً این تیغکه به علت «پدیده انتقال»، به کیومرث، جمشید و سلیمان نیز منتسب شده است، سه کارکرد مهم را در متون نقالی و عامیانه بر عهده دارد؛ این سه کارکرد عبارت اند از: روئین تن کشی، جادوکشی و باطل السحر بودن.

کلمات کلیدی:

رزم افزار شگفت، تیغ تهمورث، تهمورث، رستم، متون نقالی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1697339>

